

جغرافیا و توسعه شماره ۲۸ پاییز ۱۳۹۱

وصول مقاله : ۱۳۹۰/۴/۳۱

تأیید نهایی : ۱۳۹۱/۴/۲۸

صفحات : ۴۱-۵۴

توسعه‌ی محلی پایدار و جلب مشارکت حداکثری مردم بر اساس تجارب پروژه‌ی بین‌المللی ترسیب کربن

دکتر رستم صابری فر^۱، دکتر محمود فال سلیمان^۲، صدیقه قیصری^۳

چکیده

با وجود آن که روستاها جوامعی هستند که از روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساده‌ای برخوردارند، اما در اغلب مناطق، وجود تضادهای فرهنگی، قومی، مذهبی و از همه مهمتر، اختلاف شدید طبقاتی، موجب تشکیل جوامعی با پیچیدگی‌های خاص خود گردیده است. به همین دلیل، اتخاذ رویکردهای مناسب برای ورود به این اجتماعات، یکی از دل‌مشغولی‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به شمار می‌آید. تجربه‌ی چندین دهه فعالیت‌های مربوط به توسعه‌ی روستایی نشان داده است که شکست برنامه‌ها و توفیق نیافتن در همراهی مردم و مشارکت حداکثری آنها در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، اجتماعی و فرهنگی، از تباطو نزدیکی با جلب اعتماد و اطمینان روستاییان داشته است. بنابراین، به نظر می‌رسد که چنانچه بتوان اعتماد روستاییان را به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران افزایش داد، بخش عظیمی از این مشکلات حل خواهد شد. تجربه‌ی برخی از طرح‌های موفق نشان می‌دهد که بهترین راهکار برای این مشکل، ورود عملی روستاییان در جریان برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی است. نوشته‌ی حاضر در نظر دارد تجربیات مربوط به بهره‌مندی از رویکرد توسعه‌ی پایدار محلی توسط یکی از موفق‌ترین پروژه‌های عمرانی (پروژه ترسیب کربن) را ارائه داده و برخی از شیوه‌های مناسب مداخله در مناطق روستایی را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. این بررسی به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی به انجام رسیده است. به این منظور، نمونه‌ای به حجم ۳۵۴ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. از این تعداد ۱۸۸ نفر مربوط به روستاییان ساکن در محدوده‌ی اجرای طرح ترسیب کربن و بقیه از ساکنین روستاهای همجوار بوده‌اند که از امکانات این پروژه بهره‌ای نبرده‌اند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که وقتی اولویت‌ها و خواسته‌های مردم محلی مورد توجه قرار گیرد، مشارکت حداکثر مردم امکان‌پذیر است و می‌توان این مشارکت را تا بیش از ۸۰ درصد افزایش داد.

کلیدواژه‌ها: توسعه‌ی محلی، مداخلات هدفمند، جامعه‌ی روستایی، مشارکت، پروژه ترسیب کربن.

مقدمه

برنامه و برنامه‌ریزی در محیط‌های مختلف تنگناها و چالش‌های خود را دارد و این وضعیت در مناطق روستایی چالش‌برانگیزتر است. در حالی که روستاییان خود را مورد ستم و بی‌توجهی می‌دانند و همیشه به این اوضاع اعتراض دارند، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان، روستاییان را غیر قابل تغییر و متمرّد معرفی می‌کنند. به عبارت دیگر، روستاییان برنامه‌ریزان و مجریان را باور ندارند و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران روستاییان را لجاجت‌پز، بی‌علاقه به پیشرفت و توسعه قلمداد می‌کنند. این کشمکش همیشه وجود داشته و همچنان بخش مهمی از تلاش و کوشش دو طرف را مصروف خود می‌دارد. وجود این تنگناها برای بسیاری از برنامه‌ریزان غیر قابل حل جلوه می‌کند و آنها را به سوی اتخاذ رویکردهایی از نوع آزمون و خطا رهنمون می‌سازد. با توجه به تعریف توسعه که به معنای ارتقای مستمر وضعیت رفاهی کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۱)، می‌توان گفت لازمه‌ی هر نوع توسعه در جامعه، وجود مشارکت‌های مردمی در ابعاد مختلف است. این شرایط نه تنها باعث افزایش اعتماد به نفس روستاییان می‌گردد، بلکه اعتماد آنها را به نیروهای خارج از روستا افزایش داده و مشارکت بیشتر آنها را تضمین خواهد کرد. چنین روندی یک ابزار مشارکتی است که می‌تواند با بهره‌گیری از رضایت و تمایل مردم، پتانسیل و استعداد نهفته آنها را به کنترل درآورده تا از این طریق به رهایی آنان از فقر موجود کمک نماید. در این روند توانمندی‌ها و نیروهای پراکنده در بین اقشار ضعیف جامعه از طریق توسعه‌ی سازمانی، شکل‌دهی سرمایه و افزایش مهارت، منسجم می‌گردند. در نتیجه، مردم فقیر از یک طرف این توانمندی را کسب می‌کنند

تا حق خود را مطالبه نموده و نقطه نظرات خویش را به مسئولین برسانند و از طرف دیگر مجموعه‌ای از اقدامات گوناگون را برای بهبود وضعیت زندگی خود انجام دهند. بدیهی است که پیروی از چنین روش جامعی، بدون چالش نخواهد بود. به منظور رفع این چالش‌ها و ایجاد ارتباط بین منافع و تخصص‌های موجود در نهادهای توسعه‌ای در جهت بسیج جوامع محلی، نیاز به تغییر سیاست و ایجاد محیطی توانمند می‌باشد. شرایطی که در برخی از پروژه‌ها و از جمله پروژه‌ی ترسیب‌کربن که در منطقه‌ی حسین‌آباد سربیشه به مرحله‌ی اجرا در آمده است، مورد توجه قرار گرفته است. مدیران این پروژه که قصد داشتند با حفاظت و احیای منابع طبیعی منطقه، مقدار ترسیب-کربن موجود را افزایش دهند، دریافتند که بدون مشارکت و همراهی مردم نمی‌توانند به این هدف برسند. این گروه بعد از بررسی شرایط اجتماعی و فرهنگی منطقه و مشاهده نتایج ضعیف طرح‌های قبلی، به این نتیجه دست یافتند که باید بیشترین تلاش خود را در جهت جلب مشارکت مردم متمرکز نمایند. آنها به این باور رسیدند که به جای برنامه‌ریزی برای مردم باید با مردم برنامه‌ریزی نمایند. این پژوهش نیز به منظور معرفی این پروژه به انجام رسیده است.

پیشینه و مبانی نظری

یکی از درس‌های فراموش‌نشده حاصل از تحلیل کلیه راهبردهای توسعه گذشته، این است که روستاییان پیش از آن که بتوانند مدعی سهم مشروع خود از ثمرات توسعه باشند، باید سازماندهی شوند. با این وجود در اغلب طرح‌های توسعه به این مهم، توجه چندانی نمی‌شود. زیرا برای دستیابی به این هدف باید توسعه را در سطح محلی پیگیری نمود. اما ادبیات توسعه در این زمینه از غنای چندانی برخوردار نیست و

از فعالیت‌های شهری حمایت می‌کرد که در نهایت این موضوع سبب تضعیف کشاورزی و فقر بیشتر نواحی روستایی شد (مهندسین مشاور DHV، ۱۳۷۱: ۲). این شرایط متولیان توسعه‌ی روستایی را به این سو رهنمون ساخت که برای توسعه‌ی هماهنگ و متوازن، راهی جز مشارکت همه‌جانبه‌ی جامعه روستایی وجود ندارد.

از نگاه مشارکت باوران، افزایش مشارکت به معنای افزایش اعتماد به نفس بوده و این امر نیز توانمندسازی را به دنبال دارد و وقتی مردم محلی از توانمندی لازم برخوردار شدند، امکان کار جمعی فراهم می‌شود (Chambers, 2003:33). این روش زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که در طی دهه ۱۹۶۰ روش‌های کمی و کیفی مرسوم در مطالعه‌ی جوامع محلی، به باد انتقاد گرفته شد و این انتقاد بیشتر از سوی فمنیست‌ها مطرح می‌شد (Lewin, 2006:95). این گروه اعتقاد داشتند که تحقیقات پیمایشی از عمق ناچیزی برخوردارند (چمبرز، ۱۳۷۶: ۷۲). سؤال‌هایی که در این ارتباط مطرح می‌شد آن بود که چه گروه‌هایی کمتر به بازی گرفته می‌شوند؟ و به مشارکت چه کسانی باید بیشتر توجه شود و چگونه؟ پاسخ تمام این سؤالات، مشارکت افرادی بود که در فرآیند تحقیق حضوری کم‌رنگ داشتند (Chambers, 1992: 35). به این منظور باید از روش‌های جدید و به خصوص پژوهش‌های مشارکتی بهره‌برداری می‌شد. در این گونه روش‌ها، پژوهشگر با همکاری و همراهی جامعه محلی، دست به طراحی و اجرای پروژه مطالعاتی زده و با یکدیگر همکاری و همراهی واقعی دارند (پرات و لویروس، ۱۳۸۲: ۱۱).

به این ترتیب اولین مطالعات از این نوع، در کارهای چمبرز در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۳ مطرح شد و بعدها،

بیشترین سوابق مربوط به تحقیقات و بررسی‌هایی است که در قالب روش‌های ارزیابی مشارکتی به انجام رسیده است. این روش‌ها از اواخر دهه ۱۹۸۰ و در طی دهه‌ی ۱۹۹۰ از بیشترین رونق در بین محققان اجتماعی برخوردار بود. عقیده محققانی که از این روش بهره‌برداری می‌کردند آن بود که این روش علاوه بر گردآوری اطلاعات کامل از جامعه‌ی روستایی، قادر است نسبت به توانمندسازی جامعه محلی نیز اقدام نماید و به این طریق فعالیت واقعی آنها را در عرصه‌ی عمل فراهم آورد. چرا که قبل از آن و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ - که دوران تسلط پارادایم قدیم توسعه‌است - نظریه‌های نوسازی و انتقال تکنولوژی‌های پیشرفته به صورت از "بالا به پایین" و برنامه‌ریزی شده، فضای غالب فکری و اجرایی دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی و مدیریت‌های اجرایی را شکل می‌داد تا جایی که در چهارچوب دکترین رشد، افزایش تولید محصولات عمده‌ی کشاورزی در کانون توجه تحقیقات و سیاست‌های حمایتی قرار گرفت. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری‌ها به تحقیقات کشاورزی ایستگاهی، خدمات فنی و تعاونی‌ها معطوف شد. در واقع اساس و شالوده‌ی "انقلاب سبز" اینگونه شکل گرفت. انقلاب سبز با موفقیت زیادی همراه بود؛ اما منافع آن بیشتر نصیب ثروتمندان و نواحی مستعد شد و اغلب، فقرا را از قلم انداخت یا وضع آنان را بدتر کرد. در آن زمان اکثر کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به خودکفایی غذایی تلاش می‌کردند؛ آنها سیاست جانشینی واردات را در پیش گرفته بودند. این جهت‌گیری‌ها در بخش کشاورزی منجر به اتخاذ سیاست‌های عرضه‌گرا و ایجاد انحصارات غیر دولتی در دو بعد تأمین نهاده‌ها و بازاریابی تولیدات شد. پایین بودن قیمت محصولات غذایی و نرخ بالای ارز، به نوعی

در نتیجه، اگر برای تمام روستاها نسخه‌ی واحدی ارائه شود، نمی‌تواند نیازهای آنها را برآورده نماید. در این حالت، پیگیری توسعه در سطح محلی، بهترین گزینه خواهد بود (Moseley, 2004: 14). در این روش، بهترین نقطه‌ی شروع، بهره‌گیری از سرمایه‌های درون‌زاست. توسعه‌ی محلی، توسعه‌ای مردم‌گراست و مؤثرترین راه دستیابی به این هدف را می‌توان در یک سطح متوسط جستجو کرد. در توسعه‌ی محلی، مشارکت واقعی مردم قابل تحقق است. چرا که در توسعه‌ی محلی مردم محل به عنوان یکی از منابع کلیدی در سایر منابع از جمله ایده‌ها، انرژی و سرمایه در توسعه‌ی روستایی مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

علاوه بر آن، تجربیات به دست آمده نشان می‌دهد (Matthews, 1994: 74) که توسعه و بسط منابع محلی پیش از اتکای روزافزون بر منابع و سرمایه‌ی وارداتی به منابع محلی توجه دارد. زیرا توسعه‌ی محلی توسط مردم و مؤسساتی به اجرا درمی‌آید که باعث افزایش ارزش افزوده منابع محلی شده و خریدهای محلی را انجام می‌دهند. شرایطی که می‌تواند بخشی از پیامدهای منفی جهانی شدن را از بین برده و یا حداقل از تأثیر آن بر اقتصاد محلی جلوگیری نماید.

با توجه به این نتایج و پیامدها، توسعه‌ی محلی به عنوان پیامدی از توسعه تلقی می‌شود که در مقیاسی محلی عملی شده و هدف آن شناسایی مشکلات محلی، افزایش میزان اعتبار منابع محلی، مادی، انسانی یا نمادین، بسیج نیروهای فعال و ذی‌نفوذ، مردم، گروه‌ها یا نمایندگی‌ها می‌باشد. بر این اساس، توسعه‌ی محلی روستایی، توسعه‌ای است که توسط مردم پیشنهاد و اجرا می‌شود. توسعه‌ای که بر روی مفاهیمی چون نگرش چندبُعدی، یکپارچگی، هماهنگی گروه‌های معین و پایداری تأکید دارد.

دوتا^۱، پال^۲، شارما^۳ و رامانا^۴ (۲۰۰۰) آن را ادامه دادند. مالهوترا^۵ (۲۰۰۶) نیز اولین بار عنوان مداخله‌ی هدفمند و توسعه‌ی محلی در بخش انرژی در روستاهای هند را با استفاده از تجارب به دست آمده از کار مؤسساتی مثل تاتا^۶ (۱۹۹۷) و یا افرادی مثل شوکلا^۷ و دیگران (۱۹۹۹)، پال و دیگران (۱۹۹۸) و ... به کار برد (Malhotra, 2000: 15). این نوع مطالعات در ایران بسیار اندک بوده و صرفاً محدود به نوشته‌های غیرمستقیمی است که توسط وزارت کشور تهیه و تنظیم شده است. مجموعه‌ای از این نوشته‌ها در چندین جلد با عنوان مدیریت روستایی تهیه و به چاپ رسیده است (برای اطلاع نگاه کنید به شیرزاد و ازکیا، ۱۳۸۴). دکتر مهدی طالب نیز در کتاب مدیریت روستایی در ایران به نوعی به این موضوع توجه نشان داده است (برای اطلاع نگاه کنید به طالب، ۱۳۷۶). به هر حال، مناطق روستایی گرچه نقاط مشترک بسیاری دارند، اما کاملاً مشابه و همانند نیستند. معیشت اقتصادی در برخی مناطق بر پایه‌ی کشاورزی استوار است. در حالی که سایرین معاش خود را از طریق صنعت توریسم، استخراج معادن، پذیرش بازنشستگان یا صنایع تولیدی و کارخانه‌ای تأمین می‌کنند. گروهی از این مناطق هنوز کاهش جمعیت را تجربه می‌کنند. در حالی که گروهی هم وجود دارند که خصوصیت بارز آنها تغییرات اجتماعی و رشد سریع جمعیت است. در حالی که بعضی از مناطق روستایی به خاطر نزدیکی به شهر دچار مشکل هستند، سایرین به دلیل دورافتادگی مشکلاتی را متحمل می‌شوند و ...

- 1-Dutta
- 2-Pal
- 3-Sharma
- 4-Ramana
- 5-Malhotra
- 6-Tata
- 7-Shukla

و در نتیجه موفقیت دنبال کرده است؟ آیا امکان به کارگیری آن در سایر مناطق وجود دارد و یا خیر؟ آیا خصیصه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مردم چنین موفقیتی را به همراه آورده است و یا روش کار مسؤولین پروژه؟ و... با توجه به این که پاسخگویی به تمامی این پرسش‌ها از حوصله‌ی این تحقیق خارج است، سعی می‌شود به تعدادی از آنها با توجه به شرایط موجود، پاسخ گفته شود. برای رسیدن به این هدف، ابتدا مقایسه‌ای بین جوامع متأثر از پروژه ترسیب‌کربن و خارج از آن به عمل آمد. از آنجا که طبق اطلاعات قبلی، تقریباً تمام عوامل اقتصادی، اجتماعی و... در مناطق اجرای پروژه ترسیب‌کربن و مناطق همجوار یکسان بوده است، فرض بر این قرار گرفت که تحولات به وجود آمده در این منطقه را می‌توان به آثار و پیامدهای پروژه ترسیب‌کربن نسبت داد. برای تأیید این فرض کلی و با توجه به سابقه‌ی پروژه‌های عمرانی در ایران و این منطقه خاص، شیوه-های خاص مورد استفاده در این پروژه، مورد بررسی دقیق‌تر قرار گرفت.

این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده و از نوع توصیفی-تحلیلی است. در این تحقیق با وجود آن که متغیرهای متفاوتی مورد بحث قرار گرفته است، اما مباحث اصلی روی میزان مشارکت مردم به عنوان متغیر وابسته و تحولات اجتماعی و اقتصادی (افزایش درآمد و اشتغال، تشکیل سرمایه و افزایش جمعیت و...) روستاهای مورد مطالعه، به عنوان متغیر وابسته، متمرکز شده است.

جامعه‌ی آماری تحقیق را ۳۵۴ خانوار ساکن در روستاهای دشت حسین‌آباد غیناب شهرستان سربیشه تشکیل می‌دهند. از این تعداد ۱۸۸ خانوار آنهایی هستند که در محدوده‌ی اجرای پروژه ترسیب‌کربن قرار دارند و بقیه خانوارهایی می‌باشند که از امتیازات

با این اهداف و با توجه به روندی که توسعه‌ی محلی برای ایجاد تغییرات در جوامع روستایی مد نظر دارد، می‌توان گفت که بهره‌گیری از رویکرد توسعه محلی برای تحقق اهداف مورد نظر این تحقیق مناسب خواهد بود. در واقع، پیگیری روند توسعه‌ی محلی انطباق کاملی دارد با آنچه در منطقه‌ی موردنظر اتفاق افتاده است. زیرا در این منطقه نیز ابتدا پیش توسعه اتفاق افتاده است (FAO, 2000: 123) به این معنا که ابتدا ظرفیت‌سازی و ایجاد انگیزه در گروههای محلی بر اساس مشارکت ساکنین محلی حادث شده است. در مرحله‌ی بعدی، نسبت به تدوین و انطباق رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک اقدام شده است. بعد از این مرحله پروژه‌ها و روش‌های جدید معرفی شده است و با این روش‌ها سعی شده است کاهش محرومیت‌های اجتماعی در دستور کار قرار گیرد و در نهایت با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، امکان ارتقاء و توسعه‌ی پروژه‌های گروهی و اجتماعی فراهم آید. بنابراین، در این تحقیق از چارچوب مفهومی و رویکرد توسعه‌ی محلی بهره‌برداری شده و شرایط و موقعیت‌های مورد نظر در این قالب مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

الف- روش تحقیق

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که با اجرای پروژه ترسیب‌کربن، تحولات قابل ملاحظه‌ای در وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ی مورد مطالعه به وجود آمده است. تحولاتی که بدون مشارکت و همراهی کامل مردم، امکان تحقق پیدا نمی‌کرد. با توجه به آن که اغلب پروژه‌های عمرانی در مناطق روستایی با مشارکت و اقبال روستاییان مواجه نمی‌گردد و به همین دلیل، نتایج قابل توجهی به بار نمی‌آورد؛ قصد اصلی تحقیق حاضر آن بود تا مشخص نماید که این پروژه، چه ویژگی‌ها و روش‌هایی را برای جلب مشارکت

جمعیتی حدود ۸۰۰ خانوار مستقر می‌باشند که دامداری و کشاورزی شغل اصلی آنهاست. جمعیت محدوده‌ی مورد بررسی تا قبل از اجرای پروژه‌ی ترسیب‌کربن^۱ و تا سال ۱۳۸۵، دائماً در حال کاهش بود و بعد از این مقطع زمانی و با ظاهر شدن نتایج طرح مورد نظر، جمعیت این آبادی‌ها، روند افزایشی را شاهد بوده‌است (پروژه ترسیب‌کربن، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

ج- پروژه بین‌المللی ترسیب کربن

پروژه ترسیب کربن در آوریل ۲۰۰۳ میلادی به منظور افزایش میزان کربن ترسیب شده به وسیله‌ی گونه‌های مقاوم کاشته شده در مناطق بیابانی و مدلسازی کربن ترسیب یافته در مناطق خشک، آغاز شد (خراشادیزاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۳).

بر این اساس، مهمترین مشکل پروژه، ترغیب مردم به سکونت در منطقه و پذیرش طرح‌ها و برنامه‌ها بود. اما ساکنین منطقه مورد که امید و توان خود را برای رسیدن به یک زندگی مناسب از دست داده بودند. در این شرایط، مشارکت بی‌معنی می‌نمود. بنابراین، نه تنها جلوگیری از تخریب مراتع امکان‌پذیر نبود، بلکه گفتگو با مردم که از همه کس و همه چیز ناامید شده بودند، بسیار مشکل و در مواردی غیر ممکن می‌نمود. نکته‌ی بسیار مهمی که متولیان پروژه ترسیب‌کربن متوجه شده بودند، بسیار اساسی و زیرکانه بود. آنها دریافته بودند که بین فقر و بیابان‌زایی رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد (اندیشه سبز، ۱۳۸۶: ۳). به عقیده‌ی آنها چنانچه جامعه‌ای درگیر حداقل نیازهای اجتماعی

این پروژه بهره‌مند نشده‌اند. بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب برای این تحقیق ۲۰۰ نفر به دست‌آمده است و برای بالاتر بردن میزان دقت و اعتبار یافته‌ها، حجم نمونه به ۳۵۴ نفر افزایش یافته است. علاوه بر آن، برای بررسی انطباق اولویت‌های مورد نظر مسؤولین پروژه و مردم، اولویت‌های مورد توجه مسؤولین ارشد پروژه در محل نیز مورد پرسش قرار گرفته است. برای بررسی دقیق‌تر شرایط، اطلاعات لازم از طریق پرسش‌نامه به دست آمده است. به غیر از آمار و اطلاعات میدانی، از آمارهای رسمی و محلی نیز استفاده شده‌است. جهت تعیین اعتبار پرسش‌نامه در منطقه‌ی مورد مطالعه، پیش‌آزمونی انجام شده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمده است که نشان می‌دهد سؤالات پرسش‌نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. در نهایت، با توجه به نوع متغیرهای اصلی و فرعی، برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن، آزمون تی نمونه‌های مستقل و وابسته و آنالیز واریانس، استفاده شده است.

ب- منطقه‌ی مورد مطالعه

حوضه‌ی آبریز دشت حسین‌آباد غیناب با مساحت ۱۴۴۰۰۰ هکتار در محدوده‌ی سیاسی شهرستان سربیشه قرار دارد. این حوضه از شمال به دشت پهواز، از جنوب به کوه‌های دوکوله، از غرب به کوه‌های شول سرخ و از شرق به کوه‌های رضا محدود است. ارتفاع میانگین حوضه ۱۷۰۰ متر می‌باشد. این دشت در معرض فرسایش شدید ناشی از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان قرار دارد که از خردادماه تا مهرماه در هر سال جریان دارد. این منطقه به طور جدی دست خوش اثرات خشکسالی طولانی‌مدت است که آثار اقتصادی و اجتماعی منفی شدیدی بر زندگی اهالی ساکن در این محدوده به جا گذاشته است. در این دشت ۳۲ آبادی با

۱- پروژه ترسیب کربن دشت حسین‌آباد غیناب کار مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران، برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و تسهیلات زیست‌محیطی جهانی (GEF) است. این پروژه از اواسط سال ۱۳۸۲ در این منطقه فعالیت‌های گوناگونی را در راستای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی انجام داده است. تشکیل ۳۶ گروه توسعه‌ی روستایی در ۱۳ آبادی و صندوق‌های خرد اعتباری وابسته به این گروه‌های توسعه، یکی از اقدامات عمده پروژه می‌باشد.

به این منظور، ابتدا بررسی‌های محلی در تمامی روستاهای موجود در دشت آغاز شد و در نهایت ۸ نفر به عنوان تسهیل‌گر از بین خود مردم برگزیده شدند. این افراد وظیفه داشتند به شیوه مشارکتی، ساماندهی و نظارت بر روند شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های توسعه روستایی را مورد توجه قرار دهند.

همزمان با کارهای زیرساختی و اجتماعی، اقدامات عمرانی و اجرایی خاصی نیز در حال انجام بود. به این منظور، احیای مراتع منطقه به کمک احداث خزانه‌های تولید نهال (به ظرفیت ۱/۲ میلیون) مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه نیز مشارکت مردمی اصل اول بود. چرا که برای تولید، جمع‌آوری بذر و کاشت گونه‌های جدید، حدود ۱۱۹۷ نفر (شامل ۷۲۵ مرد و ۴۷۲ زن) در پایان سال دوم پروژه وارد عرصه عمل شده بودند (پروژه ترسیب کربن، ۱۳۸۸: ۷۶). نشست‌های بعدی عمدتاً بر تشکیل گروه‌های توسعه متمرکز بود. در نهایت در همان ابتدای کار، ۲۶ گروه توسعه‌ی روستایی در ۱۴ روستا شکل گرفت. از این تعداد ۷ گروه مردان، ۷ گروه زنان و ۱۲ گروه مختلط بودند. این گروه‌ها در کل ۹۱۴ نفر عضویت داشتند که از ۴۵۰ خانوار ساکن در منطقه گرد هم جمع شده بودند. در تشکیل گروه‌های توسعه، شیوه‌های علمی با رویکردهای عرفی مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل، تنها مردان نبودند که در همه‌ی امور پیشرو باشند.

در واقع، در کمتر طرح و پروژه‌ای پیش از این سابقه داشت که مشارکت مردان و زنان تا این حد به هم نزدیک (مشارکت ۴۶ درصدی زنان) باشد. به هر حال، تعداد گروه‌های توسعه در اواسط سال ۱۳۸۷ به ۳۶ گروه توسعه رسید که از این تعداد ۸ گروه زنان، ۸ گروه مردان و ۲۰ گروه مختلط بودند و در مجموع بیش از ۱۲۷۰ نفر عضو داشتند (خلاصه عملکرد پروژه ترسیب کربن، ۱۳۸۷: ۸). آزمون‌های مختلف انجام شده

و معیشتی خود باشد، طبیعی است که به سایر مسایل اهمیتی نخواهد داد. به همین منظور، اولین اقدامات در راستای افزایش قدرت خرید مردم و بالا بردن سطح رفاه ساکنین منطقه، به خصوص در دستور قرار دادن مشکلاتی بود که اولویت بالاتری برای مردم داشت. تمامی این اقدامات به نحوی صورت می‌گرفت که گرچه مشکلات و تنگناهای زندگی مردم را به خوبی مرتفع می‌کرد، اما با جهت‌گیری‌های پروژه هم بی‌ارتباط نبود. به عنوان مثال، با توجه به این که بیش از ۸۰ درصد مردم، از بوته‌های مرتعی برای پخت و پز و گرما استفاده می‌کردند، ارائه‌ی تنوره‌های گازی و ترغیب روستاییان به بهره‌مندی از آن، اولویت ویژه‌ای پیدا کرد.

یکی از مشکلات اساسی منطقه، فقدان آب مناسب و کافی و مشکلات بهداشتی و سوخت مناسب برای تأمین آبگرم، برای استحمام بود. به همین منظور، دستگاه‌های تصفیه آب و حتی نصب آبگرمکن‌های خورشیدی مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر آن، با تشکیل صندوق‌های خرد اعتباری و انواع فعالیت‌های جنبی، منابع درآمدی، تنوع بیشتری یافت. افزایش درآمد، تأمین امکانات اولیه زندگی و شکل‌گیری گروه‌های توسعه و... باعث شد که امید به آینده‌ای بهتر، در چشم‌انداز آتی منطقه، نمودار شود. این شرایط ارتباطات، پیوندها و همکاری مردم را بیش از پیش نمود. نتیجه‌ی نهایی این اقدامات، تقویت سرمایه اجتماعی، یعنی بهبود اعتماد و اطمینان در بین جوامع روستایی و بین روستاییان و مسئولین پروژه بود.

د- بسیج جامعه محلی

پروژه ترسیب کربن رهیافتی تکثرگرا را از طریق درگیر نمودن جوامع محلی بهره‌بردار در مراحل مختلف با هدف احیاء و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و تقسیم عادلانه منافع حاصله، دنبال می‌کرد.

اندک آغاز گردید. به این منظور، برنامه‌های صندوق‌های اعتباری خرد به عنوان ابزاری جهت ایجاد تحرک و توانمندسازی مردم محلی مورد توجه قرار گرفت. با تشکیل گروه‌های توسعه، تمامی اعضای گروه توسعه در هر ماه حداقل دو نشست برگزار نموده و به این ترتیب هر دو هفته یکبار، مبالغی را پس‌انداز می‌کردند. در نهایت و در پایان سال ۲۰۰۶ (قریب به ۳ سال از آغاز پروژه) مبلغی در حد ۱۰۴ میلیون ریال توسط ۲۶ گروه توسعه در طی ۶۵۴ نشست پس‌انداز شد. از محل همین پس‌اندازها، ۶۶ میلیون ریال به ۱۳۲ طرح از ۱۶ گروه توسعه روستایی وام پرداخت شد. این در حالی است که در همین راستا در مرحله اول ۴۲ طرح با اعتبار ۱۱۰ میلیون ریال در قالب ۱۴ گروه توسعه و در مرحله دوم ۷۳ طرح با اعتباری حدود ۱۹۰ میلیون ریال به ۲۲ گروه و در مرحله سوم ۱۶۱ طرح با اعتباری نزدیک به ۲۸۰ میلیون ریال به ۲۰ گروه توسعه از محل اعتبارات پروژه وام پرداخت شد. نکته‌ی قابل توجه آن بود که تعداد زنان دریافت‌کننده وام، بیش از مردان بودند (اندیشه سبز، ۱۳۸۶: ۱۲).

در کنار سایر اقدامات، مبحث آموزش و ترویج نیز به جدیت پیگیری می‌شد. علاوه بر نشست‌ها، جلسات و روزرسانی وب‌گاه پروژه، بروشورهای مختلفی انتشار یافته و در سطح وسیعی توزیع گردید. این شرایط علاوه بر روستاها، در مراکز علمی و ترویجی دیگر نیز پیگیری می‌شد و حتی دانشجویان برای بازدید از محل پروژه ترغیب شده و اردوهای به این منظور در مراکز آموزشی برنامه‌ریزی گردید. به‌طوری‌که طی سال ۲۰۰۶ قریب به ۲۳۰ نفر از پروژه بازدید نمودند (خراسادی‌زاده و همکاران، ۲۰۰۶: ۶). در سال دوم پروژه، ۲۷ فعالیت آموزشی به انجام رسید که ۵۶ درصد آنها مربوط به ساختارسازی گروه‌های توسعه، ۳۷ درصد مربوط به فعالیت‌های درآمدزا و ۷ درصد مربوط به مدیریت مراتع بود. در این پروژه ۸۰ درصد

در رابطه با گروه‌های توسعه، نشان می‌دهد که این گروه‌ها شرایط اولیه یک گروه توسعه واقعی را دارند. آزمون‌هایی که به این منظور مورداستفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- آزمون حداکثر مشارکت: نمایندگان بیش از ۸۰ درصد خانوارها در طرح‌ها و پروژه‌های تعریف شده حضور دارند و سایر خانوارها، مایل به پیوستن به این گروه‌ها بوده‌اند. در این شرایط و مشارکت بالای خانواده‌ها، احتمال عدم حضور خانواده‌های فقیر کاهش یابد.

- آزمون جنسیتی: میزان مشارکت زنان تقریباً در حد مردان می‌باشد.

- آزمون همکاری: همه‌ی روستاییان با ضوابط و شرایط توضیح داده شده در خصوص پس‌انداز و برگزاری جلسات منظم، موافق هستند.

- آزمون رضایت عمومی (اجماع): رییس و منشی از طریق اجماع انتخاب شده و این افراد مورد اعتماد و اطمینان اعضا هستند.

- آزمون مسؤولیت‌پذیری: همه افراد، مسؤولیت‌پذیری و صداقت رئیس و منشی را پذیرفته‌اند و اعمال، رفتار و... آنها را مطابق با اصول پذیرفته شده می‌دانند.

- آزمون شایستگی و لیاقت: رییس گروه قابلیت یکپارچه نمودن و گرد هم آوردن روستاییان را دارا بوده است. این شرایط باعث شده است که فقرا و محرومان به صف مقدم وارد شوند.

- آزمون تعهد: رییس و منشی به جای مهاجرت به مکانی دیگر، متعهد به زندگی در روستا و خدمت به روستاییان بوده و تمام سعی خود را برای توسعه‌ی آنها مصروف می‌دارند. از آنجا که محرومیت و تخریب مراتع با همدیگر وابستگی شدید دارند، تأمین اعتبار و اعطای کمک‌های مالی و تشکیل سرمایه بسیار ضروری می‌باشد. به همین دلیل، اقدامات مفید و سازنده‌ای برای شکل‌گیری سرمایه‌های محلی و گردآوری پس‌اندازهای

۱۳۸۷، میزان بیکاری به حدود ۲۰ درصد رسیده است (پایش سوم، ۱۳۸۷) و اطلاعات و آمار به دست آمده از نمونه‌ی مورد بررسی در این تحقیق این مقدار را کمتر از ۱۸ درصد نشان می‌دهد.

به هر حال، از مجموع سرپرستان خانوار محدوده‌ی مورد بررسی (قریب به ۱۶۰۰ نفر) حدود ۱۲۷۰ نفر یعنی ۸۰ درصد آنها به طور مستقیم در این پروژه سهیم بودند. برای مقایسه‌ی دقیق‌تر وضعیت تغییرات درآمدی در منطقه‌ی مورد مطالعه، درآمد گروه ساکن در محدوده‌ی طرح و افراد خارج از این محدوده مورد مقایسه قرار گرفته است. طبق این محاسبات، مشخص گردید که تفاوت معناداری بین درآمد جمعیت ساکن در محدوده‌ی طرح و افراد خارج از آن مشاهده می‌شود.

یافته‌ها و نتایج

همانطور که اعلام شد، پروژه ترسیب کربن با هدف قرار دادن نیازها و اولویتهای مردم، آنها را به طور مستقیم وارد عرصه برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت نمود. به طوری که به نظر می‌رسد پروژه‌ی ترسیب کربن نه برای حفظ و یا افزایش پوشش گیاهی منطقه، بلکه برای تأمین مایحتاج و خواسته‌های روستاییان وارد عمل شده است. کما این که وقتی اولویتهایی که مورد نظر مردم و مسؤولین قرار داشت، مورد مقایسه قرار گرفت؛ نتایج بسیار جالبی به دست آمد. به این منظور در این تحقیق سعی شد از طریق تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP) اولویتهای مورد توجه مردم و مسؤولین پروژه، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. به این منظور، ابتدا اولویتهای مورد نظر مردم و

توجه به روستاییان و تنها ۲۰ درصد به عوامل اجرایی و کارکنان ستادی پروژه اختصاص داشت.

در راستای اشتغال‌زایی زنان، کلاس‌های متعددی در ارتباط با آرایشگری، خیاطی، گلدوزی و بافندگی، سرمه‌دوزی، گلیم‌بافی، تهیه مربا و ترشی، تهیه‌ی عرقیات سنتی، پرورش قارچ خوراکی، سبزی‌کاری و... برپا شد. به طوری که در پایان این کلاس‌ها در سال ۱۳۸۶، ۷۵ نفر از خانم‌ها با اخذ وام نسبت به ایجاد کار و کسب جدید اقدام نمودند.

مطالعات نشان می‌داد که از ۱۳ روستای مورد بررسی، قریب به ۴۰ درصد در سال ۱۳۶۵ فاقد جمعیت بودند. این روستاها نه تنها در سال ۱۳۸۶ دارای جمعیت بودند، بلکه جمعیت روستاها نسبت به سال ۱۳۶۵ به حدود ۲/۵ برابر رسیده بود. علاوه بر آن، شاخص توسعه‌ی انسانی که یکی از پارامترهای اساسی بهبود سطح زندگی است، در سال ۱۳۸۶ به ۴/۷۸ درصد رسید که حتی نسبت به سال ۱۳۸۵ که در حدود ۴/۴ درصد محاسبه شده بود، به مقدار ۰/۰۳۷ درصد پیشرفت کرده بود (اندیشه سبز، ۱۳۸۷: ۱۲). علاوه بر آن، در ارتباط با کاهش فقر مشخص شد که در طی ۱۰ سال اخیر تقریباً در همه‌ی روستاهای منطقه میزان فقر کاهش یافته است. در دهه‌ی ۱۳۷۰ حدود ۷۰ درصد خانوارها فقیر بوده و یا نشانه‌هایی از فقر را نشان می‌دادند. در دوره‌ی ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۷، ۳۹ درصد از این خانوارها از گروه فقرا خارج شدند، اما در همین مدت حدود ۳ درصد وارد این عرصه شده و شرایط فقر را تجربه نمودند. بر این اساس، می‌توان عنوان داشت که در این مدت روستاییان منطقه پیشرفت‌های مهمی را در رابطه با ارتقای کیفیت زندگی تجربه کرده‌اند (صابری‌فر و قیصاری، ۱۳۸۸: ۲۶). وضعیت بیکاری نیز

متحول شده است. به عنوان مثال، قبل از اجرای پروژه، میزان بیکاری در این منطقه قریب به ۴۰ درصد بوده است (اداره کل امور عشایری، ۱۳۷۹: ۱۲)، در سال

۱- این اولویتهای از طریق مصاحبه‌ی اکتشافی با مردم و مسؤولین به دست آمده است و در طی مصاحبه با طرح سؤالات مشخص سعی شده است معین شود که با حل کدام یک از مشکلات می‌توان سریع‌تر و راحت‌تر به اهداف مورد نظر مردم و طراحان پروژه ترسیب کربن رسید. برخی از مهمترین اولویتهای عبارت بودند از: تأمین سرمایه، بهداشت، آموزش، تأمین آب آشامیدنی مناسب، بازاریابی و یا خرید تضمینی محصولات، تأمین زیرساخت‌های حمل و نقلی و حفظ مراتع.

نشانگر آن است که میزان مشارکت در طرح‌های عمرانی تا قبل از این پروژه، بسیار اندک و در سطح نازلی بوده است. همانطور که در جدول شماره ۳ مشخص شده است، تنها ۳۱ درصد از مردم در طرح‌های عمرانی قبل از اجرای پروژه ترسیب کربن مشارکت داشته‌اند. این در حالی است که با توجه به مشارکت خیل عظیمی از جمعیت در پروژه ترسیب کربن، این مشارکت، گروه‌های مختلفی از مردم را شامل می‌شده است. حال آن که در طرح‌های قبلی، تنها گروه اندکی از مردم و آن هم با شرایط خاص حاضر به مشارکت بودند. به عنوان مثال، در طرح‌های قبلی تنها گروهی که از درآمد و سرمایه بالاتری برخوردار بوده‌اند، در طرح‌های عمرانی مشارکت داشتند (جدول شماره ۴).

مسئولین در ۷ اولویت مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی (جدول شماره ۱)، نشان می‌دهد که میانگین امتیازاتی که مردم و مسئولین به این اولویت‌ها داده‌اند، بسیار نزدیک بوده و تقریباً همسان می‌باشد. برای افزایش دقت نظر در ارتباط با انطباق نقطه نظرات مردم و مسئولین پروژه در ارتباط با اولویت‌ها، جدول شماره ۲، تهیه و تنظیم شده است. همانطور که در این جدول مشخص شده است، این اولویت‌های (امتیاز و رتبه‌ای که مردم به اولویت‌ها داده‌اند در مقابل امتیاز و اولویتی که مسئولین مد نظر داشته‌اند) کاملاً وابستگی داشته و در سطح ۰/۰۰۰، معنادار می‌باشد (جدول شماره ۲). همچنان که اعلام شده، وضعیت مشارکت در پروژه ترسیب کربن به حدود ۸۰ درصد رسیده است. این در حالی است که بررسی‌های انجام شده

جدول ۱: امتیازات مردم و مسئولین به اولویت‌های پروژه

شرح	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
مسئولین	۰/۲۴۷۳۱۲	۱۷	۰/۱۱۶۳۲۲۹	۰/۰۲۸۲۱۲۴
روستاییان	۰/۲۴۹۵۲۹	۱۷	۰/۱۲۳۲۳۶۸	۰/۰۲۹۸۸۹۳

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

جدول ۲: میزان همبستگی امتیاز هر عامل برای متولیان پروژه و روستاییان

شرح	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
مسئولین و روستاییان	۱۷	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

جدول ۳: مشارکت مردم در پروژه‌های عمرانی قبل از اجرای پروژه ترسیب کربن

وضعیت مشارکت	فراوانی	درصد	درصد مورد قبول	درصد تجمعی
بلی	۵۹	۳۱/۴	۳۱/۴	۳۱/۴
خیر	۱۲۹	۶۸/۶	۶۸/۶	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

جدول ۴: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد برای ارتباط سرمایه و مشارکت در طرح‌های عمرانی (متغیر وابسته مشارکت)

شرح	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد Beta	T	سطح معنی‌داری (sig)
	B	خطای معیار			
مقدار ثابت	-۲/۳۱۳	۰/۲۳۱		-۱۰/۰۲۲	۰/۰۰۰
درآمد	۱/۲۱۵	۰/۰۸۲	۰/۷۳۵	۱۴/۷۸۱	۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

دست آمده از اجرای پروژه ترسیب‌کربن مشخص می‌گردد که مردم به این پروژه تا حد زیادی اعتماد پیدا کرده‌اند و حتی به آینده‌ی آن نیز امیدوار می‌باشند. به طوری که نتایج بررسی مربوط به پیش‌بینی آینده‌ی مطلوب برای این پروژه و پروژه‌های مشابه نشان می‌دهد که ۶۶ درصد افراد به آینده‌ی این فعالیت‌ها امیدوار بوده‌اند (جدول شماره ۷). در واقع، این پروژه نه تنها توانست مشارکت حداکثری مردم را در فعالیت‌های عمرانی محقق نماید، بلکه به اهداف اصلی پروژه که همان حفظ و بهبود مراتع و پوشش گیاهی منطقه بود، دست یابد. این پروژه نه تنها امکانات معیشتی و درآمدی مردم را برای نیل به هدف اصلی خود محدود نساخت، بلکه با ایجاد شرایط و امکانات زمین‌های، علاوه بر بهبود شرایط شغلی و درآمدی مردم، آنها را به عنوان متولیان اصلی در پروژه دخیل نموده و از امکانات و قابلیت‌های خودشان برای تأمین اهداف و مقاصد اصلی پروژه بهره‌برداری نمود.

مشارکت حداکثری مردم و پیگیری شرایط اجرای پروژه از شیوه‌های صحیح و مردم‌گرا نتایج و آثار و برکات خاصی نیز به همراه داشته است. به عنوان مثال بررسی‌های موجود (جداول شماره ۵ و ۶)، نشان می‌دهد که وضعیت درآمدی خانوارهایی که از امکانات این پروژه بهره‌برداری نموده‌اند، بسیار بهتر از خانوارهایی است که در محدوده‌ی طرح قرار ندارند. از آنجا که وقتی یک متغیر مستقل وجود دارد مقدار بتا با مقدار همبستگی بین متغیر مستقل وابسته برابر است؛ اولاً این دو متغیر به هم وابسته هستند و ثانیاً ضریب بتای ۰/۷۳۵ نشان می‌دهد که تغییر یک انحراف استاندارد مستقل باعث تغییر ۰/۷۳۵ انحراف استاندارد در متغیر وابسته (میزان مشارکت) می‌شود. علاوه بر آن، چون مقدار قدر مطلق t بالاست و سطح خطا کوچکتر از ۰/۰۱ است، می‌توان عنوان داشت که متغیر درآمد تأثیر آماری معنی‌داری در تعیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. با توجه به نتایج و پیامدهای به

جدول ۵: انحراف استاندارد و متوسط سرانه درآمد (به میلیون تومان) در محدوده‌ی پروژه ترسیب‌کربن و خارج از آن

شرح	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای معیار
درآمد در داخل محدوده	۲/۶۶۳	۱۶۶	۰/۱۸۵۳۲	۰/۰۶۶۲
درآمد در خارج محدوده	۱/۹۹۸	۱۶۶	۰/۵۳۵۲	۰/۰۴۱۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

جدول ۶: تفاوت درآمد در داخل و خارج از محدوده پروژه

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	فاصله اطمینان ۹۵ درصد میانگین‌ها		T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
			پایین	بالا			
۰/۱۶۶۵۱	۰/۱۹۲۰۹	۰/۰۷۱۵	۰/۵۲۳۹	۰/۸۰۶۲	۹/۳۰۴	۱۶۵	۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

جدول ۷: نظرات روستاییان در ارتباط با آینده پروژه

پیش‌بینی آینده مطلوب	فراوانی	درصد	درصد مورد قبول	درصد تجمعی
بلی	۱۲۴	۶۶	۶۶	۶۶
خیر	۶۴	۳۴	۳۴	۴۰۰
کل	۱۸۸	۱۰۰	۱۰۰	

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸

بررسی نقطه نظرات مردم نشانگر آن است که آنها نه تنها بهبود مراتع و حفظ پوشش گیاهی را مخل زندگی اجتماعی و اقتصادی خود نمی‌دانند، بلکه همه‌ی پیشرفت‌ها و قابلیت‌های به وجود آمده را ناشی از توجه به مدیریت منابع طبیعی تلقی می‌کنند. بر این اساس، با تحقق مشارکت حداکثری مردم، احساس مالکیت و سهیم شدن در نتایج و پیامدهای طرح‌های عمرانی میسر شده و مردم نه تنها به عنوان نیروهای پشتیبان و حامی آثار و پیامدهای پروژه، بلکه به عنوان حافظان و نگهداران دائمی آن ایفای نقش می‌کنند. این در حالی است که بسیاری از نمونه‌هایی از طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی که در جلب مشارکت مردم توفیق نداشته و در مدت زمانی کوتاه پس از اتمام، همه‌ی آثار و پیامدهای مادی و فیزیکی آنها توسط مردم به یغما رفته است (برای اطلاع نگاه کنید به صابری‌فر، ۱۳۸۱).

نتیجه

هدف اصلی پروژه‌ی ترسیب کربن بسیار ساده و به ظاهر دست‌یافتنی بود. مجربان قصد داشتند مراتع را حفاظت یا احیا نمایند تا از آن طریق گرمای زمین کاهش پیدا کند و کربن بیشتری جذب و ترسیب شود. اما مردم منطقه وابستگی شدیدی به منابع طبیعی و به خصوص مراتع داشتند و به راحتی نمی‌توانستند از این یگانه منبع تأمین معیشت خود بگذرند. به همین دلیل، متولیان پروژه ترسیب کربن به خوبی دریافته بودند که بدون حضور و مشارکت مردم نه تنها در اجرای پروژه توفیقی نخواهند داشت، بلکه حتی اگر با صرف هزینه‌ای هنگفت به اهداف اولیه‌ی پروژه دست یابند، نگهداری و حفاظت از تأسیسات و تجهیزات و... غیر ممکن خواهد بود. به همین دلیل، آنها عملاً شیوه‌های مدیریت مشارکتی را مورد توجه قرار دادند. در این روند، آنها دریافتند که باید با توجه به شرایط

موجود اقدام نمایند و نسخه‌های آماده شده‌ی قبلی کارآیی چندانی ندارد. در واقع آنها ضرورت‌های محلی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند. در این مرحله، مهمترین مسأله‌ی، آموزش و ارائه‌ی آگاهی به جامعه‌ی محلی بود. با افزایش آگاهی‌های اولیه، باید مردم سازماندهی می‌شدند. به این منظور گروه‌های توسعه شکل گرفت. در این مرحله نیز علاوه بر حمایت‌های لازم، آموزش‌های مستمری به روستاییان داده می‌شد تا گروه‌ها تحکیم پیدا کرده و اثربخشی آنها افزایش پیدا نماید. با شکل‌گیری و استحکام گروه‌ها، طرح‌های ضروری برای رسیدن به اهداف کلی و جزئی با کمک همین گروه‌ها تهیه شد. برای اجرا این طرح باید مردم محلی حضور مستمری می‌داشتند؛ به همین منظور صندوق‌های خرد اعتباری تشکیل شده و مردم برای اجرا طرح‌ها و برنامه‌های تدوین شده در مرحله‌ی قبل، اقدام به پس‌انداز نموده و با کمک اعتبارات پروژه ترسیب کربن اقدامات اجرایی را شروع نمودند. پایش‌های مختلف قبل از اجرا و بعد از آن به خوبی عمل شده و بر اساس این پایش‌ها، ارزیابی و آینده‌نگری انجام شده و تجربیات و آموخته‌های به دست آمده بومی‌سازی شده و این روند مجدداً تکرار می‌شد.

در این روند ابتدا هدف کوتاه‌مدت که همان بازسازی و احیای مراتع بود، به خوبی قابل تحقق بود. آموزش‌های ارائه شده و همچنین پس‌اندازهای خرد زمینه‌های تنوع‌بخشی به منابع معیشتی را فراهم ساخته و بهره‌گیری از مراتع کاهش پیدا نموده و در نهایت هدف بلندمدت که همان ترسیب کربن بود نیز تحقق پیدا می‌کرد.

در روند طراحی و اجرای پروژه متولیان ابتدا ابتکار عمل را به طور کامل به دست گرفته و سعی داشتند از این طریق مردم را هدایت نمایند. در مرحله‌ی دوم و

- ۳- پایش سوم پروژه ترسیب کربن (۱۳۸۷). طرح مانیتورینگ ترسیب کربن، بخش مطالعات اقتصادی و اجتماعی. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری. مدیریت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری استان خراسان جنوبی.
- ۴- پرات، برایان؛ پیترولیوزوس (۱۳۸۲). انتخاب روش‌های پژوهش، ترجمه ابراهیم حسن‌پورآهی‌دستی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- ۵- پروژه ترسیب کربن (۱۳۸۷). عوامل اساسی برای اجرای توسعه‌ی مشارکتی، نشریه ترویجی اندیشه سبز. سال اول. شماره دوم.
- ۶- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶). اولویت‌بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا. تهران. دانشگاه تهران.
- ۷- خراشادیزاده، غلامحسین؛ غلامرضا هادربادی؛ امیرمسعود پویافر؛ بهمن خسروی (۱۳۸۶). پروژه بین‌المللی ترسیب کربن، گزارش اجرایی. دفتر پروژه بین‌المللی ترسیب کربن. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور.
- ۸- شیرزاد، علی؛ مصطفی ازکیا (۱۳۸۴). مدیریت روستایی، وزارت کشور. تهران.
- ۹- صابری‌فر، رستم؛ صدیقه قیصاری (۱۳۸۸). مدیریت اجتماعی مناطق روستایی و کاهش فقر، مطالعه موردی: منطقه حسین‌آباد غیناب، روستا و توسعه. سال ۱۲. شماره ۲. ۳۶-۱۵.
- ۱۰- صابری‌فر، رستم (۱۳۸۱). مطالعات اجتماعی و اقتصادی طرح حریم و بستر رودخانه کلات‌نادر، شرکت مهندسی مشاور سازآب شرق.
- ۱۱- طالب، مهدی (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران، دانشگاه تهران. تهران.
- ۱۲- مهندسان مشاور DHV هلند (۱۳۷۱). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، انتشارات روستا و توسعه. شماره ۱۰.

پس از ارائه‌ی آموزش و آگاهی‌های لازم، حوزه‌ی عمل خود را تا حد راهنمایی و همکاری محدود نمودند. در مرحله‌ی سوم و آخرین مرحله متولیان پروژه تنها به ارائه‌ی مشورت‌های ضروری و مورد درخواست روستاییان بسنده نمودند. به این طریق روستاییان خود، ابتکار عمل را به دست گرفته و به معنای واقعی وارد عمل شدند. پیگیری این روند باعث شد که مردم نه تنها در مقابل پروژه ترسیب کربن قرار نگیرند، بلکه با ارائه‌ی پس‌اندازهای اندک، خود طراح و مجری آن قلمداد شوند. این حرکت نتایج خوب و اثربخشی به همراه داشت که از آن جمله بود مشارکت حداکثری مردم در طرح؛ افزایش میزان درآمد روستاییان؛ کاهش میزان مهاجرت؛ احساس تعلق به تأسیسات و تجهیزات ایجاد شده و در نتیجه حفاظت و نگهداری از آنها و غیره. به طور کلی آثار و پیامدهای حاصل از این پروژه نشان می‌دهد که اگر به معنای واقعی کلمه مردم وارد طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی شده و از دیدگاهها و نقطه نظرات آنها در این امر بهره‌برداری گردد، نه تنها بودجه و اعتبارات هزینه شده به هدر نخواهد رفت، بلکه آثار و پیامدهایی بیش از حد انتظار خواهد داشت. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، تجربیات پروژه ترسیب کربن در سایر طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به توسعه‌ی روستایی و حتی طرح‌های شهری و منطقه‌ای به دقت مورد توجه قرار گرفته و در عمل به اجرا درآید.

منابع

- ۱- اداره کل امور عشایر (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی و اجرای سایت اسکان عشایر منطقه حسین‌آباد غیناب، اداره کل امور عشایر خراسان. مشهد.
- ۲- اندیشه سبز (۱۳۸۶). چرا ترسیب کربن، اندیشه سبز، نشریه ترویجی پروژه ترسیب کربن. سال اول. شماره اول. فروردین.

- ۱۳- نراقی، یوسف (۱۳۷۰). توسعه و کشورهای توسعه نیافته، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ۱۴- نشریه اندیشه سبز (۱۳۸۷). خلاصه عملکرد پروژه ترسیب کربن، سال دوم. شماره سوم.
- 18- Malhotra P, Dutta S, Pal RC, Sharma S, Ramana PV(2000). Rural Energy Matters: The Dhanawas Experience, Data Energy Institute, New Delhi.
- 19- Malhotra P, Dutta S, Ramana PV (1998). Participatory Rural Energy Planning: A Handbook, Tata Energy Research Institute, New Delhi.
- 20- Malhotra, Preeti (2006). Management of Community-Based Energy Interventions In Rural Areas of India, Calina in Waey, India.
- 21- Matthews, Louise (1994). Manual for Social, the Agha Khan Rural Support Programme, Pakistan.
- 22- Moseley, M. J (2004). Rural Development: Principles and Practice, Sage, Publications, London.
- 15- Chambers, Robert (1992). Rapid Rural Appraisal and Participation, I.D.S, Sussex.
- 16- Chambers, Robert (2003). Reflection on P. R. A. Experiences, Pathway to Participation, I.D.S., Sussex.
- 17- Lewin, Ellen (2006). Feminist Anthropology, Blackwell, Oxford.

